



دانشگاه گنبد کاووس

نشریه "پژوهش‌های ماهی‌شناسی کاربردی"

دوره ششم، شماره چهارم، زمستان ۹۷

<http://jair.gonbad.ac.ir>

تنوع صفات ریخت‌سنجی گاوماهی قفقازی (*Knipowitschia caucasica* (Berg, 1916) در تالاب گمیشان و خلیج گرگان (حوضه جنوب شرق دریای خزر)

صدیق عزیزی^۱، عیسی جرجانی^{۲*}، سیده آیناز شیرنگی^۲، محمدصادق علوی یگانه^۲، رحمان پاتیمار^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد زیست‌شناسی دریا، دانشکده علوم پایه، دانشگاه گنبدکاووس، گنبدکاووس، ایران

^۲ استادیار، گروه زیست‌شناسی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه گنبدکاووس، گنبدکاووس، ایران

^۳ استادیار، گروه زیست دریا، دانشکده علوم دریایی، دانشگاه تربیت مدرس، نور، ایران

^۴ دانشیار، گروه شیلات، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه گنبدکاووس، گنبدکاووس، ایران

تاریخ ارسال: ۹۶/۱۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۰

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی امکان جداسازی جمعیت‌های گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*) با کمک صفات ریختی دو منطقه تالاب گمیشان و خلیج گرگان در بهار ۱۳۹۵ صورت پذیرفت. بدین منظور، تعداد ۱۲۰ نمونه از این گونه با روش تجزیه و تحلیل مولفه‌های اصلی (PCA) جهت جداسازی دو ذخیره مورد مطالعه قرار گرفت. صفات مورد بررسی نیز به صورت جداگانه مورد مقایسه دو به دو قرار گرفتند. صفات مورد سنجش قبل از استفاده استانداردسازی گردید. ضریب KMO ، 0.81 بدست آمد که بیانگر مناسب بودن روش PCA برای بررسی امکان تفکیک جمعیت‌ها بود. نتایج به دست آمده، بیانگر وجود ۴ عامل با مقادیر ویژه بیشتر از یک برای صفات ریخت‌سنجی و ۶ عامل برای صفات ریخت‌سنجی نسبی بود. بنابراین، ذخایر گاوماهی قفقازی در این دو منطقه علی‌رغم وجود اختلاط جزئی به دو جمعیت مجزا قابل تقسیم هستند.

واژه‌های کلیدی: *K. caucasica*، ریخت‌سنجی، دریای خزر

*نویسنده مسئول: eisa_jorjani@yahoo.com

مقدمه

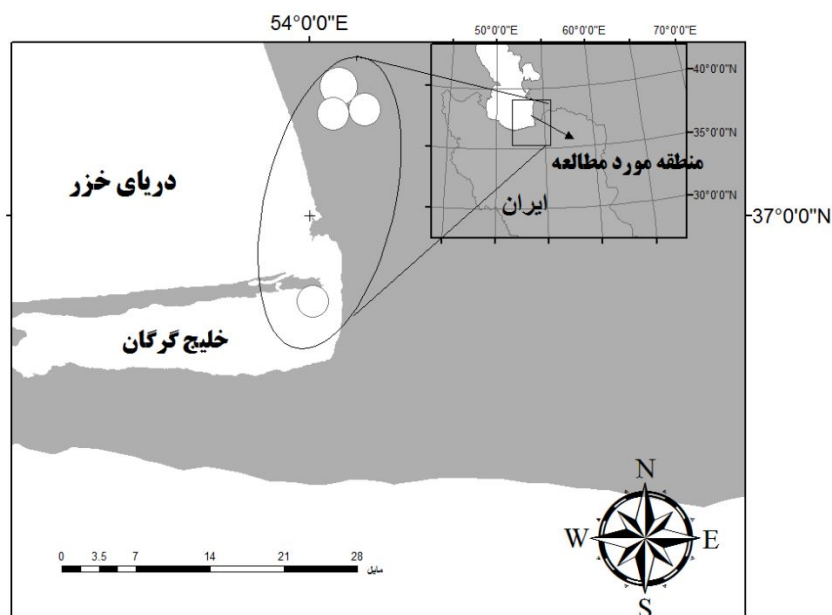
در بین گونه‌های ماهی موجود در اکوسیستم دریای خزر و حوضه آبریز آن گاوماهیان با ۳۲ گونه از ۱۰ جنس متنوع‌ترین خانواده ماهیان دریای خزر محسوب می‌شوند (Aslan parviz, 1991). گونه گاوماهی قفقازی با نام علمی *Knipowitschia caucasica* است. این گونه فراوان‌ترین گونه در آب‌های خزر جنوبی به خصوص مناطق کم عمق از قبیل تالاب‌هاست. سواحل کم عمق تالاب‌های ساحلی به عنوان محل‌های تخم‌ریزی ماهیان و یا نوزادگاهی و چراگاهی آن‌ها مطرح است (Bahalkeh et al., 2016). پراکنش این گونه در حوضه دریای خزر از خلیج گرگان، دلتای (مصب) قره‌سو، رودخانه اترک، سد ارس، جنوب شرق دریای خزر، جنوب غرب دریای خزر و جنوب مرکزی دریای خزر گزارش شده است (Abdoli and Naderi, 2009). امروزه به‌طور کلی ذخایر این گونه همانند سایر گونه‌های ماهیان ارزشمند آب‌های داخلی در معرض خطر می‌باشد که در لیست IUCN قرار گرفته است (Kottelat and Freyhof, 2007).

روش‌های متعددی برای تعیین جدایی گونه‌ها در سطح جمعیت وجود دارد که در بین آن‌ها روش ریخت‌سنجی به‌عنوان ابزاری مهم، کاربرد گسترده‌ای دارد (Poulet et al., 2004). بررسی خصوصیات ریخت‌شناسی، چه اندازه‌شی و چه شمارشی با هدف تعریف و شناسایی واحدهای جمعیتی از پیشینه طولانی در مطالعات زیست‌شناسی ماهی برخوردار است (Treer et al., 2006). در گذشته تصور بر این بود که تغییرات ریختی صرفاً ژنتیکی بود، اما امروزه مشخص شده است که منشأ این تغییرات هم محیطی و هم ژنتیکی است و حتی در پاره‌ای از موارد اختلافات ریخت‌شناسی صرفاً ناشی از محیط بوده و اختلافات ژنتیکی هیچ نقشی در آن ندارد (Swain and Foote, 1999). به‌طور کل ویژگی‌های ریخت‌شناسی ماهیان در مقایسه با سایر مهره‌داران بیش‌تر دچار تغییرات درون و بین گونه‌ای شده و نسبت به تغییرات ناشی از محیط حساسیت بیش‌تری دارند. بنابراین اثرات بعضی از فاکتورهای محیطی نظیر دما، شوری، دسترسی به غذا یا فاصله مهاجرت می‌تواند به‌طور بالقوه تفکیک ریختی ماهیان را تعیین کند (Turan et al., 2004). لذا با توجه به فواصل جغرافیایی قابل توجه بین خلیج گرگان و تالاب گمیشان، جمعیت‌های گونه یاد شده دارای مهاجرت بین منطقه‌ای محدودی بوده و در هر منطقه با شرایط محیطی متفاوتی مواجه هستند. تاکنون مطالعات زیادی به منظور بررسی تغییرات ریختی بین جمعیت‌ها در ماهیان مختلف با استفاده از ویژگی‌های ریخت‌سنجی و شمارشی صورت گرفته است. لذا بدست آوردن اطلاعات و بررسی ویژگی ریخت‌سنجی آن به عنوان گامی مهم و اصلی جهت مطالعات زیست‌شناسی و بوم‌شناسی تکمیلی، ضروری است. هم چنین، با توجه به اهمیت اکولوژیک گاوماهی قفقازی به عنوان منبع اصلی غذایی برای ماهیان خاویاری و تنها پستاندار دریای خزر، ضرورت دارد این گونه از جنبه‌های مختلف، مورد مطالعه قرار گیرد. مطالعات محدودی روی این گونه در دریای خزر انجام شده است. تنها برخی ویژگی‌های رشد گاوماهی قفقازی در تالاب گمیشان - حوضه جنوب شرق دریای خزر - مورد مطالعه قرار گرفته است (Bahlakeh et

2016)، در حالی که تاکنون مطالعه‌ای جهت مقایسه خصوصیات ریختی و شمارشی این ماهی در دریای خزر صورت نگرفته است. در نتیجه، این مطالعه به منظور بررسی جنبه‌های ریخت‌سنجی گونه گاوماهی قفقازی و مقایسه ساختار جمعیت آن در تالاب گمیشان و خلیج گرگان و همچنین تعیین صفات مناسب برای جداسازی جمعیت‌ها در این دو منطقه صورت گرفت.

مواد و روش‌ها

در این مطالعه تعداد ۱۲۰ نمونه ماهی از سواحل جنوب شرقی دریای خزر (۶۰ نمونه ماهی از خلیج گرگان، ۶۰ نمونه از تالاب گمیشان؛ شکل ۱) در بهار ۱۳۹۵ با استفاده از تور دستی صید شد (جزئیات ایستگاه‌های نمونه برداری در جدول ۱ آورده شده است). سپس نمونه‌ها به علت اندازه کوچک در فرمالین ۱۰ درصد تثبیت شدند و به آزمایشگاه اکولوژی آبریان دانشگاه گنبد کاووس انتقال یافتند.



شکل ۱- منطقه نمونه‌برداری گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*)

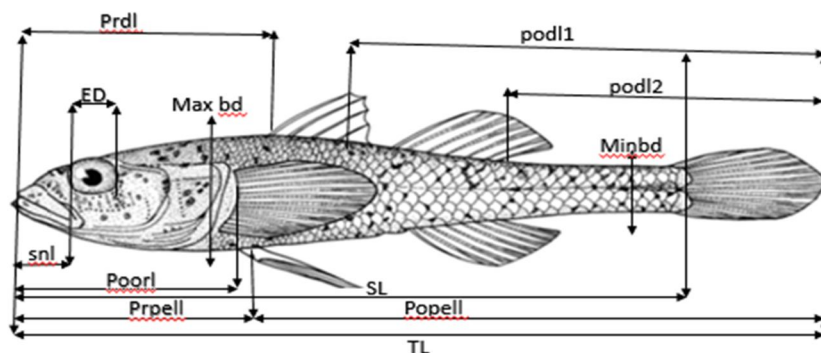
جدول ۱- نام و مشخصات منطقه مورد مطالعه در دو ایستگاه مورد مطالعه در تالاب گمیشان و خلیج گرگان	
نام	مشخصات
خلیج گرگان	مساحت حدود ۴۶۶ کیلومتر مربع و دارای حداکثر طول ۶۰ و حداکثر عرض ۱۲ کیلومتر می‌باشد. طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۳ دقیقه تا ۵۳ درجه و ۳۵ دقیقه شرقی عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۸ دقیقه و ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه شمالی.
	مساحت حدود ۱۷۷۰۰ هکتار، طول جغرافیایی تالاب ۵۳ درجه و ۵۲ دقیقه شرقی تا ۵۴ درجه و ۱ دقیقه شرقی عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۱۱ دقیقه شمالی تا ۳۷ درجه و ۲۱ دقیقه شمالی

برای هر ماهی، ۱۸ صفت ریخت‌سنجی و ۳۱ صفت ریخت‌سنجی نسبی مورد بررسی قرار گرفت (شکل ۲). صفات ریخت‌سنجی شامل: طول کل، بیش‌ترین ارتفاع بدن، کم‌ترین ارتفاع بدن، ارتفاع بدن از ابتدای باله پستی، عرض بدن جلو باله مخرجی، عرض بدن پشت باله مخرجی، بیش‌ترین عرض سر، ارتفاع سر، طول پوزه، قطر چشم، طول پس‌حدقه‌ای، فاصله بین دو چشم، عرض دهان، طول پیش‌باله پستی، طول پس‌باله پستی اول، طول پس‌باله پستی دوم، طول پیش‌باله لگنی، طول پس‌باله لگنی و صفات ریخت‌سنجی نسبی (طول کل به طول استاندارد، بیش‌ترین ارتفاع بدن به طول استاندارد، کم‌ترین ارتفاع بدن به طول استاندارد، ارتفاع بدن از ابتدای باله پستی به طول استاندارد، عرض بدن جلو باله مخرجی به طول استاندارد، عرض بدن پشت باله مخرجی به طول استاندارد، طول جانبی سر به طول استاندارد، عرض سر به طول جانبی سر، بیشینه عرض سر به طول جانبی، ارتفاع سر از ناحیه چشم به طول جانبی سر، طول پوزه به طول جانبی سر، قطر چشم به طول جانبی سر، طول پس‌حدقه‌ای به طول جانبی سر، فاصله بین دو چشم به طول جانبی سر، عرض دهان به طول جانبی سر، طول پیش‌باله پستی اول به طول استاندارد، طول پیش‌باله پستی دوم به طول استاندارد، طول پس‌باله پستی اول به طول استاندارد، طول پس‌باله پستی دوم به طول استاندارد، طول پیش‌باله لگنی به طول استاندارد، طول پس‌باله مخرجی به طول استاندارد، طول پیش‌مخرج به طول استاندارد، فاصله مخرج به باله مخرجی، طول ساقه دم، طول پیش‌باله سینه‌ای به طول استاندارد، طول پس‌باله سینه‌ای به طول استاندارد، طول قاعده باله پستی به طول استاندارد، ارتفاع باله پستی به طول استاندارد، ارتفاع سر به طول جانبی سر)، به وسیله کولیس با دقت ۰/۰۱ میلی‌متر اندازه‌گیری شد. صفات ریخت‌سنجی قبل از تجزیه و تحلیل به جهت کاهش خطای حاصل از رشد آلومتریک طبق فرمول ۱ استاندارد شدند (Ihssen et al., 1981; Beacham and Murray, 1983).

$$M_{(t)} = M_{(0)} \left(\frac{L}{L_0} \right)^b \quad \text{فرمول ۱:}$$

$M_{(t)}$ = مقادیر استاندارد شده صفات؛ $M_{(0)}$ = طول صفات مشاهده شده؛ L = میانگین طول استاندارد برای کل نمونه و برای همه مناطق؛ L_0 = طول استاندارد هر نمونه؛ b = ضریب رگرسیونی بین $\log M_0$ (لگاریتم صفت مشاهده شده) و $\log L_0$ برای هر منطقه؛ می‌باشد. کارایی داده‌های اصلاح شده از طریق آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر اصلاح شده و طول استاندارد مورد ارزیابی قرار گرفت. معنی‌دار نبودن این همبستگی نشان‌دهنده حذف کامل اثر اختلاف اندازه داده‌ها می‌باشد (Turan, 1999). برای جداسازی ذخیره‌ها با استفاده از رابطه ماتریسی خصوصیات ریخت‌سنجی و شمارشی، آزمون تجزیه به عامل‌ها (Factor Analysis) به روش تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) استفاده شد و در مورد هر یک از مؤلفه‌های استخراج شده، صفات اصلی مشخص گردید. برای انجام محاسبات فوق از نرم افزار آماری SPSS 22 استفاده گردید.

برای آزمون نرمال بودن صفات از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد. برای مقایسه توزیع فراوانی طولی بین دوجنس نر و ماده از آزمون کولموگراف اسمیرنوف دو نمونه‌ای استفاده شد. برای مقایسه صفات ریخت‌سنجی اندازه‌گیری شده بین دو منطقه خلیج گرگان و تالاب گمیشان در مواردی که صفات نرمال بود از آزمون t-test مستقل و در مواردی که داده‌ها نرمال نبود به $\log(x+0.5)$ منتقل شدند. صفاتی که بعد از انتقال نیز نرمال نبودند برای مقایسه معنی‌داری بین آن‌ها از آزمون ناپارامتریک من-ویتنی استفاده شد. برای مقایسه میانگین طولی بین دو منطقه از روش رایانه بر Randomization test استفاده شد. برای انجام این روش از ماکرونویسی در اکسل با زبان VBA استفاده شد.



شکل ۲- پارامترهای ریخت‌سنجی اندازه‌گیری شده در گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*) در مطالعه حاضر. (فواصل شامل: طول کل (TL)؛ طول بدن تا انتهای ساقه دمی (SL)؛ طول سر (HDL)؛ بیشترین ارتفاع بدن (Max bd)؛ کمترین ارتفاع بدن (Min bd)؛ طول بدن از نوک پوزه تا ابتدای باله پشتی اول (PRDL)؛ طول بدن از انتهای باله پشتی اول تا آخر باله دمی (PODL1)؛ طول سر از نوک پوزه تا ابتدای چشم (snl)؛ فاصله نوک پوزه تا ابتدای باله

سینه‌ای (poorl)؛ فاصله انتهای باله پشتی دوم تا انتهای بدن (podl2)؛ فاصله بین باله لگنی تا انتهای بدن (popell)؛ فاصله بین باله لگنی تا نوک پوزه (prpell)؛ فاصله بین باله سینه‌ای تا ابتدای بدن (poorl).

نتایج

میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر ۱۸ صفت ریخت‌سنجی مطلق برای گاوماهی قفقازی در خلیج گرگان و تالاب گمیشان محاسبه شده است (جدول ۲). میانگین ضریب تغییرات (CV) صفات ریخت‌سنجی گاوماهی قفقازی در خلیج گرگان و تالاب گمیشان به ترتیب ۶/۰۱ درصد و ۱۰/۲۷ درصد بود. ضریب تغییرات به‌دست آمده برای مناطق نمونه‌برداری همواره کمتر از ۲۵ درصد بوده و نشان می‌دهد که خطای حاصل از ابزار و شخص آزمایش‌کننده پایین است و بین ضریب تغییرات جمعیت‌ها اختلاف چندانی وجود ندارد. ضریب KMO بدست آمده از دیاگنال همبستگی‌های جزئی ۰/۸۱ و سطح معنی‌داری کل ماتریس همبستگی در آزمون بارتلتز ($\chi^2=960$; sig.=0.000) بدست آمد که بیان‌کننده مناسب بودن تحلیل عاملی در سطح بسیار خوب در رابطه با این صفات است. در نتیجه با معنی‌دار شدن آزمون کرویت بارتلت در سطوح معنی‌داری بالا می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرها همبستگی معنی‌داری وجود دارد و داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی در سطح عالی قرار دارند. با استفاده از روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی از ترکیب خطی ۱۸ صفت ریخت‌سنجی مطلق، مؤلفه‌هایی بدست آمد که ویژگی خاصی از صفات را نشان می‌دهد و هر چه میزان واریانس یک مؤلفه بیش‌تر باشد، ضریب شرکت آن مؤلفه در تفکیک جمعیت‌ها بیش‌تر خواهد بود.

جدول ۲- میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر صفات ریخت‌سنجی مطلق گونه گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*) در خلیج گرگان و تالاب گمیشان

منطقه مورد مطالعه		خلیج گرگان		تالاب گمیشان	
صفت مورد مطالعه	انحراف معیار ± میانگین	حداکثر-حداقل	انحراف معیار ± میانگین	حداکثر-حداقل	
طول کل	۳۵/۹۶ ± ۰/۵۱	۲۹/۱۳-۳۹/۵۴	۳۵/۷۸ ± ۰/۷۷	۲۵/۹-۴۳/۵۴	
بیشترین ارتفاع بدن	۶/۵۸ ± ۰/۱۵	۴/۴۸-۷/۹	۵/۵۱ ± ۰/۱۸	۳/۷۳-۷/۸۱	
کمترین ارتفاع بدن	۳/۲۳ ± ۰/۱۰	۱/۹۸-۳/۹۲	۳/۱۱ ± ۰/۰۹	۲/۱۴-۴/۰۶	
ارتفاع بدن از ابتدای باله پشتی	۶/۱۶ ± ۰/۱۲	۴/۴۷-۷/۱۲	۵/۴۴ ± ۰/۱۷	۳/۷۳-۷/۲	
عرض بدن جلو باله مخرجی	۳/۴۲ ± ۰/۰۸	۲/۴۷-۴/۱۷	۳/۲۰ ± ۰/۱۰	۲/۰۵-۴/۴۴	
عرض بدن پشت باله مخرجی	۲/۴۴ ± ۰/۰۶	۱/۶۵-۳/۰۴	۲/۲۲ ± ۰/۰۶	۱/۴۱-۲/۹۸	
بیشترین عرض سر	۶/۱۴ ± ۰/۱۶	۳/۳۹-۳/۵۷	۵/۸۹ ± ۰/۱۸	۳/۹۸-۷/۸	
ارتفاع سر	۴/۵۱ ± ۰/۱۰	۳/۰۷-۵/۴۲	۴/۲۸ ± ۰/۱۳	۲/۶۳-۵/۵۳	
طول پوزه	۲/۳۷ ± ۰/۰۵	۱/۵۱-۲/۸۷	۲/۳۳ ± ۰/۰۵	۱/۵۵-۲/۹۶	
قطر چشم	۱/۶۵ ± ۰/۰۴	۱/۲۲-۱/۹۹	۱/۱۸ ± ۰/۰۲	۰/۹۹-۱/۴۵	

تنوع صفات ریخت‌سنجی گاوماهی قفقازی (*Knipowitschia caucasica* (Berg, 1916)...

طول پس حذقه ای	۴/۵۳ ± ۰/۱۰	۲/۷۸ - ۵/۵	۴/۶۳ ± ۰/۱۲	۳/۳۹ - ۵/۸۹
فاصله بین دو چشم	۱/۱۴ ± ۰/۰۳	۰/۷۵ - ۱/۵۶	۱/۴۹ ± ۰/۰۳	۱/۰۹ - ۱/۸۹
عرض دهان	۳/۲۰ ± ۰/۰۹	۲ - ۳/۸۹	۳/۰۱ ± ۰/۱۳	۱/۵۵ - ۴/۴۸
طول پیش باله پستی	۱۲/۲۴ ± ۰/۱۶	۹/۹ - ۱۴/۲	۱۱/۱۷ ± ۰/۲۵	۸/۳۸ - ۱۴/۷۲
طول پس باله پستی اول	۲۲/۱۴ ± ۰/۳۷	۱۷/۴۵ - ۲۵/۴۸	۲۲/۳۹ ± ۰/۵۱	۱۶/۴۲ - ۲۸/۶۹
طول پس باله پستی دوم	۱۵/۲۲ ± ۰/۲۰	۱۳/۳ - ۱۷/۲۴	۱۵/۲۱ ± ۰/۳۹	۱۱/۷۴ - ۲۰/۰۸
طول پیش باله لگنی	۹/۶۰ ± ۰/۱۵	۶/۶۹ - ۱۰/۸	۹/۴۵ ± ۰/۲۰	۷/۷۴ - ۱۱/۵
طول پس باله لگنی	۲۵/۵۴ ± ۰/۳۶	۲۱/۱۲ - ۲۸/۲۵	۲۵/۵۳ ± ۰/۶۲	۱۴/۷۳ - ۳۰/۴۴

در مورد صفات ریخت‌سنجی ۴ عامل با مقدار ویژه بزرگ‌تر از یک و واریانس تجمعی ۷۲/۴۰۳ درصد تنوع صفات بین افراد انتخاب شد (جدول ۳). صفات مورد مطالعه روی عامل اول و دوم بارگذاری شدند که نشان دهنده اهمیت بیش‌تر این دو عامل در جداسازی ذخایر است (جدول ۴). مولفه‌های اصلی استخراج شده در بین دو منطقه برای صفات ریخت‌سنجی نشان داد پراکنش نقاط برای دو منطقه تالاب گمیشان و خلیج گرگان متفاوت بود که نشان دهنده تمایز بین ذخایر می‌باشد (شکل ۳).

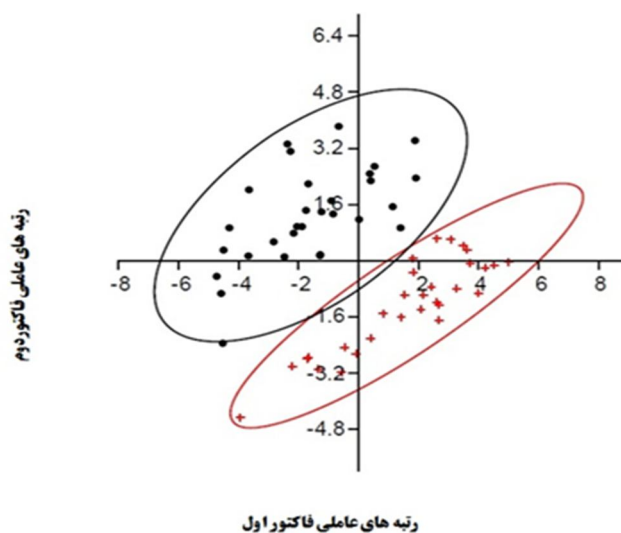
جدول ۳-مقادیر ویژه و درصد واریانس صفات ریخت‌سنجی مطلق به تفکیک عوامل برای جمعیت‌های گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*)

فاکتور	مقدار ویژه	درصد واریانس نسبی	درصد واریانس تجمعی
۱	۷/۱۸۱	۳۷/۷۹۴	۳۷/۷۹۴
۲	۳/۵۹۷	۱۸/۹۳۱	۵۶/۷۲۴
۳	۱/۸۰۸	۹/۵۱۸	۶۶/۲۴۳
۴	۱/۱۷۰	۶/۱۶۰	۷۲/۴۰۳

جدول ۴- ضرایب عاملی مربوط به هر صفت ریخت‌سنجی مطلق مورد مطالعه در بین ۴ فاکتور استخراج شده به روش تجزیه به مولفه‌های اصلی در جمعیت‌های گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*)

ریخت سنجی	فاکتور اول	فاکتور دوم	فاکتور سوم	فاکتور چهارم
طول کل	۰/۵۳۷	۰/۱۰۴	۰/۴۹۱	۰/۰۴۴
بیشترین ارتفاع بدن	۰/۵۶۸	۰/۶۳۷	۰/۲۱۶	-۰/۰۷۶
کمترین ارتفاع بدن	۰/۸۴۹	۰/۱۶۴	۰/۰۹۲	۰/۰۱۸
ارتفاع بدن از ابتدای باله پستی	۰/۵۶۸	۰/۶۳۷	۰/۲۱۶	-۰/۰۷۶
عرض بدن جلو باله مخرجی	۰/۶۶۷	۰/۴۴۸	۰/۲۷۲	-۰/۰۰۱
عرض بدن پشت باله مخرجی	۰/۶۸۶	۰/۴۵۱	۰/۱۲۴	-۰/۰۲۳
بیشترین عرض سر	-۰/۰۵۵	-۰/۲۳۱	-۰/۰۰۴	۰/۹۵۰

ارتفاع سر	-۰/۰۷۶	-۰/۲۳۰	-۰/۰۱۶	۰/۹۴۷
طول پوزه	۰/۴۹۲	۰/۱۲۵	۰/۵۱۹	۰/۱۴۳
قطر چشم	۰/۳۳۲	۰/۸۴۹	۰/۰۲۷	۰/۱۴۹
طول پس حدقه ای	۰/۶۵۰	-۰/۱۸۸	۰/۲۷۴	-۰/۱۲۴
فاصله بین دو چشم	۰/۴۶۱	-۰/۷۹۰	۰/۰۵۰	۰/۱۲۵
عرض دهان	۰/۷۰۰	۰/۲۳۰	۰/۳۰۵	-۰/۰۷۷
طول پیش باله پشتی	۰/۲۶۴	۰/۷۲۶	-۰/۱۴۶	-۰/۱۲۷
طول پس باله پشتی اول	۰/۲۷۵	-۰/۱۵۳	۰/۸۱۰	-۰/۰۳۳
طول پس باله پشتی دوم	۰/۰۷۰	-۰/۰۱۴	۰/۸۵۰	-۰/۲۴۴
طول پیش باله لگنی	۰/۵۰۸	۰/۰۷۵	۰/۱۸۵	-۰/۳۱۹
طول پس باله لگنی	۰/۳۴۸	۰/۱۳۳	۰/۵۶۰	۰/۲۵۲



شکل ۳- پراکنش ضرایب عاملی برای صفات ریخت‌سنجی گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*) در دو منطقه تالاب گمیشان و خلیج گرگان (+تالاب گمیشان ، •خلیج گرگان)

میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر ۳۱ صفت ریخت‌سنجی نسبی برای گاوماهی قفقازی در خلیج گرگان و تالاب گمیشان محاسبه شده است (جدول ۵). در مورد صفات ریخت‌سنجی نسبی مورد سنجش قرارگرفته برای گاوماهی قفقازی ۶ عامل با مقدار ویژه بزرگ‌تر از یک و واریانس تجمعی ۸۲/۴۸ درصد تنوع صفات بین افراد استخراج شد (جدول ۶). اکثر صفات ریخت‌سنجی مورد مطالعه

روی عامل اول و دوم بارگذاری شدند که نشان‌دهنده اهمیت بیش‌تر این دو عامل در جداسازی ذخایر است (جدول ۷).

جدول ۵- میانگین، انحراف معیار، حداکثر صفات ریخت‌سنجی نسبی گونه گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*) در خلیج گرگان و تالاب گمیشان

نام صفت	خلیج گرگان		تالاب گمیشان	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
طول کل به طول استاندارد	۱/۱۷	۰/۰۰۴	۱/۱۶	۰/۰۰۵
بیشترین ارتفاع بدن به طول استاندارد	۰/۲۱	۰/۰۰۳	۰/۱۷	۰/۰۰۲
کمترین ارتفاع بدن به طول استاندارد	۰/۱۰	۰/۰۰۲	۰/۱۰	۰/۰۰۱
ارتفاع بدن از ابتدای باله پشتی به طول استاندارد	۰/۲۰	۰/۰۰۳	۰/۱۷	۰/۰۰۲
عرض بدن جلو باله مخرجی/طول استاندارد	۰/۱۱	۰/۰۰۱	۰/۱۰	۰/۰۰۱
عرض بدن پشت باله مخرجی/طول استاندارد	۰/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۷	۰/۰۰۱
طول جانبی سر به طول استاندارد	۰/۲۹	۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۰۰۱
عرض سر به طول جانبی سر	۰/۱۳	۰/۰۰۱	۲/۳۰	۰/۰۴۹
بیشینه عرض سر/طول جانبی	۰/۱۹	۰/۰۰۳	۰/۷۰	۰/۰۱۰
ارتفاع سر از ناحیه چشم/طول جانبی سر	۰/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۰/۰۰۷
طول پوزه به طول جانبی سر	۰/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۰۰۳
قطر چشم به طول جانبی سر	۰/۰۵	۰/۰۰۰۸	۰/۱۴	۰/۰۰۱
طول پس‌حدقه‌ای به طول جانبی سر	۱/۴۸	۰/۰۰۲	۰/۵۵	۰/۰۰۶
فاصله بین دو چشم به طول جانبی سر	۰/۰۳	۰/۰۰۰۹	۰/۱۷	۰/۰۰۱
عرض دهان به طول جانبی سر	۰/۱۰	۰/۰۰۱	۰/۳۵	۰/۰۱۰
طول پیش‌باله پشتی اول به طول استاندارد	۰/۴۰	۰/۰۰۲	۰/۳۶	۰/۰۰۳
طول پیش‌باله پشتی دوم به طول استاندارد	۰/۵۶	۰/۰۰۳	۰/۵۲	۰/۰۰۵
طول پس‌باله پشتی اول به طول استاندارد	۰/۷۲	۰/۰۰۴	۰/۷۳	۰/۰۰۵
طول پس‌باله پشتی دوم به طول استاندارد	۰/۴۹	۰/۰۰۴	۰/۴۹	۰/۰۰۶
طول پیش‌باله لگنی به طول استاندارد	۰/۳۱	۰/۰۰۲	۰/۳۰	۰/۰۰۳
طول پس‌باله لگنی به طول استاندارد	۰/۸۳	۰/۰۰۵	۰/۸۳	۰/۰۰۸
طول پیش‌باله مخرجی به طول استاندارد	۰/۵۹	۰/۰۰۴	۰/۵۸	۰/۰۱۰
طول پس‌باله مخرجی/طول اس	۰/۴۶	۰/۰۰۴	۰/۴۵	۰/۰۰۵
طول پیش‌مخرج به طول استاندارد	۰/۵۳	۰/۰۰۴	۰/۵۱	۰/۰۱۷
فاصله مخرج به باله مخرجی	۰/۰۵	۰/۰۰۰۷	۰/۰۴	۰/۰۰۰۵
طول ساقه دم به طول استاندارد	۰/۵۲	۰/۰۰۶	۰/۴۸	۰/۰۱۸
طول پیش‌باله سینه‌ای به طول استاندارد	۰/۳۰	۰/۰۰۲	۱/۸۸	۰/۰۴۲
طول پس‌باله سینه‌ای به طول استاندارد	۱/۹۴	۰/۰۲۷	۰/۸۸	۰/۰۰۷
طول قاعده باله پشتی به طول استاندارد	۰/۸۵	۰/۰۰۰۶	۰/۰۵	۰/۰۰۱
ارتفاع باله پشتی به طول استاندارد	۰/۱۰	۰/۰۰۱	۰/۱۳	۰/۰۰۶
ارتفاع سر به طول جانبی سر	۰/۵۷	۰/۰۰۶	۰/۱۶	۰۰۲

جدول ۶- مقادیر ویژه و درصد واریانس صفات ریخت‌سنجی نسبی به تفکیک عوامل برای جمعیت‌های گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*) بین دو منطقه خلیج گرگان و تالاب گمیشان

فاکتور	مقدار ویژه	درصد واریانس نسبی	درصد واریانس جمعی
۱	۱۵/۵۳۹	۵۰/۱۲۷	۵۰/۱۲۷
۲	۳/۴۴۶	۱۱/۱۱۶	۶۱/۲۴۳
۳	۲/۲۲۹	۷/۱۹۰	۶۸/۴۳۳
۴	۱/۹۴۲	۶/۲۶۴	۷۴/۶۹۷
۵	۱/۲۲۶	۳/۹۵۳	۷۸/۶۵۰
۶	۱/۱۸۹	۳/۸۳۴	۸۲/۴۸۴

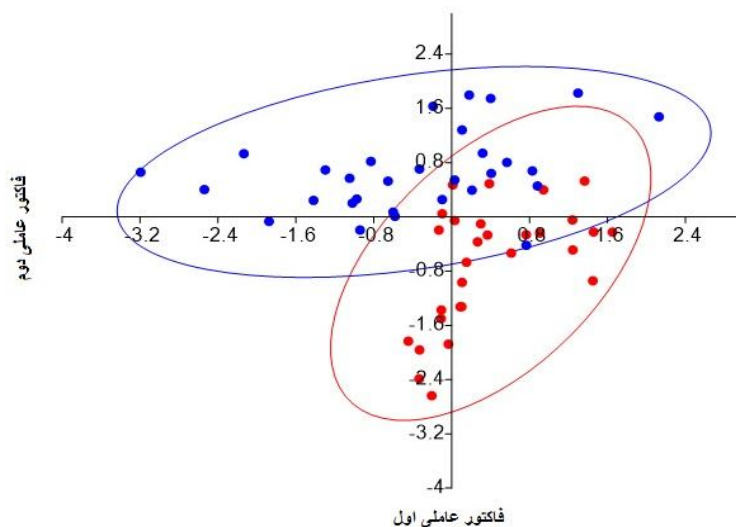
جدول ۷- ضرایب عاملی مربوط به هر صفت ریخت‌سنجی نسبی گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*) مورد مطالعه در بین ۴ فاکتور استخراج شده به روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی

فاکتور اول	فاکتور دوم	فاکتور سوم	فاکتور چهارم
-۰/۰۰۹	۰/۴۲۲	۰/۴۶۷	-۰/۴۱۸
-۰/۶۳۸	۰/۶۰۷	۰/۰۱۵	-۰/۰۳۹
۰/۰۰۱	۰/۸۶۴	۰/۰۵۷	۰/۱۶۰
-۰/۴۶۸	۰/۷۳۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶۹
-۰/۲۷۴	۰/۷۹۱	۰/۱۲۶	-۰/۰۵۹
-۰/۳۶۳	۰/۶۷۹	۰/۰۲۶	۰/۰۵۱
-۰/۷۰۹	-۰/۰۹۵	۰/۲۹۹	۰/۰۶۵
۰/۹۵۵	-۰/۲۶۲	-۰/۰۴۲	۰/۰۴۹
۰/۹۷۴	-۰/۱۱۷	۰/۰۴۵	-۰/۱۰۶
۰/۹۷۳	-۰/۱۳۳	۰/۰۱۷	-۱/۱۳۷
۰/۹۷۱	-۰/۱۸۱	۰/۰۲۹	-۰/۰۴۷
۰/۹۷۶	-۰/۱۵۸	-۰/۰۱۴	-۰/۰۱۶
۰/۹۷۵	-۰/۱۵۸	۰/۰۲۲	-۰/۰۷۵
۰/۹۸۱	-۰/۱۵۶	۰/۰۰۶	-۰/۰۵۳
۰/۹۶۲	-۰/۰۵۱	۰/۰۵۳	-۰/۱۶۹
-۰/۶۹۱	۰/۱۱۱	-۰/۱۷۹	۰/۲۲۷
-۰/۶۰۶	۰/۰۱۵	-۰/۱۷۹	۰/۵۰۷
۰/۱۸۲	۰/۱۸۲	۰/۷۶۶	۰/۱۲۱
-۰/۰۸۲	-۰/۱۹۶	۰/۷۶۵	۰/۱۲۷
-۰/۰۲۴	۰/۱۵۹	۰/۲۱۹	۰/۶۰۳
-۰/۰۰۳	۰/۱۷۴	۰/۲۰۱	-۰/۰۹۹
-۰/۰۶۷	-۰/۰۳۶	-۰/۰۱۹	۰/۷۹۹
-۰/۱۹۹	۰/۰۷۴	۰/۸۲۶	-۰/۰۸۳
-۰/۱۶۸	-۰/۰۴۱	-۰/۱۳۷	۲/۲۶۶

تنوع صفات ریخت‌سنجی گاوماهی قفقازی (*Knipowitschia caucasica* (Berg, 1916)...

۰/۴۳۳	-۰/۰۲۴	۰/۳۱۶	-۰/۶۸۴	فاصله مخرج به باله مخرجی
۰/۴۰۳	-۰/۴۶۰	-۰/۱۴۳	-۰/۲۸۶	طول ساقه دم
۰/۰۷۶	-۰/۰۲۰	-۰/۲۷۶	۰/۹۴۷	طول پیش باله سینه‌ای به طول استاندارد
۰/۰۴۴	۰/۰۳۷	۰/۰۸۲	-۰/۹۷۹	طول پس باله سینه‌ای به طول استاندارد
-۰/۰۴۸	۰/۰۹۰	۰/۳۳۹	-۰/۹۰۳	طول قاعده باله پشتی به طول استاندارد
۰/۳۱۴	۰/۴۲۰	۰/۰۴۸	۰/۵۴۹	ارتفاع باله پشتی به طول استاندارد
۰/۰۵۴	۰/۰۰۱	۰/۲۶۸	-۰/۹۵۳	ارتفاع سر به طول جانبی سر

پراکنش افراد براساس روابط عامل‌های استخراجی اول و دوم در رابطه با صفات ریخت‌سنجی نسبی در ذخایر گاوماهی قفقازی در دو منطقه خلیج گرگان و تالاب گمیشان تا حد بسیار زیادی نشان داد که تقریباً تمام نمونه‌های دو ذخیره از یکدیگر تفکیک شده و هم‌پوشانی بسیار جزئی با یکدیگر دیده می‌شود. بر اساس نتایج تحلیل عاملی می‌توان نتیجه گرفت ذخایر بین خلیج و تالاب دو ذخیره متفاوت می‌باشند (شکل ۴).



شکل ۴- پراکنش ضرایب عاملی برای صفات ریخت‌سنجی نسبی گاوماهی قفقازی (*K. caucasica*) در دو منطقه تالاب گمیشان و خلیج گرگان (● تالاب گمیشان، ● خلیج گرگان)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از مطالعه صفات ریخت‌شناسی گاوماهیان قفقازی در دو منطقه مورد مطالعه (تالاب گمیشان و خلیج گرگان) مؤید آن است که ماهیان موجود در دو محل نمونه‌برداری به طور معنی‌داری از هم متمایزند. در راستای نتایج این تحقیق، مطالعات ماهی‌شناسان روی ماهیان دریای خزر نشانگر این واقعیت است که بسیاری از ماهیان روند گونه‌زایی را طی نموده و روند تدریجی ایجاد جمعیت‌ها ادامه دارد، به‌طوری که گونه‌های خزری زیرگونه‌ها و جمعیت‌هایی را در مناطق مختلف دریای خزر تشکیل داده است. این می‌تواند دلیل معقولی برای تمایز براساس صفات ریخت‌شناسی ماهیان در یک منطقه باشد. در مطالعه حاضر نتایج صفات ریخت‌سنجی مطلق نسبت به ریخت‌سنجی نسبی هم‌پوشانی کم‌تری داشتند و نمونه‌های دو منطقه را بیش‌تر از هم جدا کرد. همچنین در بررسی صفات ریخت‌شناسی مشاهده شد که عرض سر و ارتفاع بدن در نمونه‌های تالاب کوچک‌تر از نمونه‌های خلیج گرگان بود، به طوری که پیش‌تر برخی از محققان پیشنهاد کردند که اختلاف در ریخت سر ماهیان و شکل بدن آن‌ها می‌تواند بیان‌کننده گروه‌های مختلف تروفی باشد (Delariva and Agostinho, 2001). اختلاف ریخت‌سنجی در صفات سر می‌تواند به دلیل وجود زیستگاه‌های مختلف باشد (Norton, 1991). این موضوع به ویژه در مورد آشیان‌های اکولوژیکی مختلف همراه با رژیم‌های غذایی مختلف که در معرض تخریب هستند اهمیت دارد. به طور مثال می‌توان گفت ریخت سر ماهیان می‌تواند بر اساس استراتژی تغذیه آن‌ها، نوع و اندازه غذای خورده شده تحت تغییر قرار گیرد (Wainwright and Richard, 1995).

شش صفت شمارشی مورد مطالعه (تعداد شعاع نرم باله پشتی اول، تعداد شعاع سخت باله پشتی اول، تعداد شعاع نرم باله پشتی دوم، تعداد شعاع سخت باله پشتی دوم، تعداد شعاع سخت باله مخرجی) در همه نمونه‌ها در دو منطقه یکسان و برابر بودند. موافق با نتایج این مطالعه، در بررسی مقایسه‌ای برخی خصوصیات ریخت‌سنجی و پویایی جمعیت‌های گاوماهی شنی (*Neogobius pallasi*) در نه‌های کبودوال، زرین‌گل و شیرآباد استان گلستان، تفاوت کمی در داده‌های شمارشی بین گاوماهیان هر سه نه‌ وجود داشت که دلیل آن می‌تواند ثبات نسبی صفات شمارشی در ماهیان باشد (Karimian, 2014). این نتیجه با نتایج به دست آمده از این تحقیق مطابقت دارد.

مطالعات بسیاری نشان داد که صفات ریخت‌سنجی مطلق و ریخت‌سنجی نسبی، نسبت به صفات شمارشی برای جدایی جمعیت‌ها مناسب‌تر هستند. به‌طوری که در تمامی جمعیت‌ها میزان تغییرات صفات ریخت‌سنجی بیش‌تر از صفات شمارشی است و در بررسی صفات جداکننده جمعیت‌ها مشخص شد که صفات ریخت‌سنجی توانایی بیش‌تری در جداسازی جمعیت‌ها دارند که این مطالعات، با نتایج تحقیق حاضر مطابقت دارد. کولیو (Kuliev, 1997) معتقد است که تفاوت‌های صفات شمارشی در گونه‌ها و زیرگونه‌های مختلف ماهیان در عرض‌های جغرافیایی متفاوت وجود دارد ولی این صفات در یک منطقه اختلاف چندانی

ندارد که می‌تواند تاییدکننده مطالعه حاضر باشد، به‌دلیل این که مناطق مورد مطالعه (خلیج گرگان و تالاب گمیشان) دارای عرض جغرافیای نزدیک به هم هستند. در نتیجه انتظار می‌رود که صفات شمارشی یکسانی در ماهیان مورد مطالعه دو منطقه مشاهده شود.

در بررسی جنس نر و ماده ماهیان سفید رودخانه‌ای (*Squalius cephalus*) در سر شاخه توجی رودخانه تالار استان مازندران، تجزیه PCA نشان داد که خصوصیات ریخت‌سنجی و خصوصیات شمارشی در هر دو جنس نر و ماده هم‌پوشانی خوبی دارند (Gorjian Arabi et al., 2012). رضایی و همکاران (Rezaei et al., 2011) در بررسی ماش‌ماهی (*Aspius aspius taeniatus*) بین دو منطقه جنوب دریای خزر (ساری و تنکابن) بیان کردند که نمونه‌های دو منطقه از لحاظ صفات ریخت‌سنجی و شمارشی از هم متمایزند درحالی‌که درجه بالایی از هم‌پوشانی بین محل‌های نمونه‌برداری دیده می‌شود.

دلیل وجود اختلافات ریخت‌شناسی بین جمعیت‌های ماهیان اغلب مشکل است. با این وجود بیش‌تر محققان بر این باورند که تنوع فنوتیپی در خصوصیات ریخت‌سنجی نه تنها تحت تأثیر ژنتیک است، بلکه ممکن است تحت تأثیر تغییرات محیطی نیز باشد (Swain and Foote, 1999). گزارش شده است که اکوسیستم‌های آب لب‌شور در معرض تغییرات گسترده پارامترهای محیطی قرار دارند که می‌توانند باعث ایجاد فشار به‌گزینی بر موجودات آن اکوسیستم گردند (Trabelsi et al., 2004). از طرفی باتوجه به این که دریای خزر (خلیج گرگان و تالاب گمیشان) از اکوسیستم‌های آب‌های لب‌شور محسوب می‌شود و گاوماهیان قفقازی مورد مطالعه دارای اختلافات ریخت‌سنجی واضحی بودند، می‌توان گفت جمعیت‌های ماهیان مورد نظر در دو منطقه مورد مطالعه دست‌خوش تغییرات محیطی زیادی قرار گرفته‌اند که این می‌تواند باعث اختلاف دو جمعیت از نظر ریخت‌سنجی باشد.

به‌طور معمول، ماهیانی که در دوران اولیه زندگی شرایط یکسانی دارند از لحاظ ریختی وضعیت مشابهی دارند (Pinheiro et al., 2005). هنگامی که ماهی در اوضاع محیطی جدیدی قرار گیرد، این امکان وجود دارد که تغییرات ریخت‌شناسی به‌سرعت در آن رخ دهد. همچنین نشان داده شده است فاصله جغرافیایی قابل ملاحظه بین مناطق مورد مطالعه می‌تواند سبب اختلاف در خصوصیات ریخت‌شناسی و ژنتیکی گردد (Poulet et al., 2004). دلایل جدایی ریخت‌شناسی نمونه‌های مورد مطالعه در دو منطقه (تالاب گمیشان و خلیج گرگان) و عدم تمایز بر اساس صفات شمارشی می‌تواند بیان‌کننده این واقعیت باشد که علی‌رغم فاصله جغرافیای ناچیز بین دو منطقه مورد مطالعه، احتمالاً شرایط تقریباً مشابهی از نظر فاکتورهای زیستی بر هر دو منطقه حاکم بوده است اما در چند دهه اخیر اکوسیستم دریای خزر و به ویژه تالاب گمیشان به دلیل عدم مدیریت صحیح (احداث سد، صید بی‌رویه، آلاینده‌ها، تخریب زیستگاه‌های موجودات زنده و ...) تحت تأثیر قرار گرفته است و شرایط کنونی تالاب طوری است که آب تنها در کانال‌های آن جریان دارد. ساحل خلیج گرگان به‌طور عمده گلی و پوشیده از گیاهان باتلاقی است. در داخل خلیج گرگان از غرب به

شرق اندازه رسوبات از گلی به ماسه‌ای تغییر می‌کند (Kiabi *et al.*, 1999). بستر تالاب گمیشان گلی و دارای میلیاردها جاندار تک یاخته است، از آنجایی که بستر تالاب گمیشان دارای سوراخ‌های زیستی است می‌تواند به‌عنوان پناهگاه مورد استفاده برای گاوماهی قفقازی قرار گیرد. این موضوع می‌تواند بیانگر این باشد که گاوماهیان قفقازی مورد مطالعه یک نیای مشترک داشته‌اند اما در اثر شرایط محیطی ریخت‌سنجی آن‌ها تغییر پیدا کرده است ولی درصفت شمارشی فاقد تغییر می‌باشند. این احتمال وجود دارد که اگر صفات شمارشی و نشانگرهای تعداد نمونه‌های بیش‌تری بررسی شود دو منطقه از هم جدا شوند.

منابع

- Abdoli A., Naderi M. 2009. Biodiversity of fishes of the southern basin of the Caspian Sea. Abzian Scientific Publication, Tehran. 242 P. (In Persian).
- Aslan parviz, H. 1991. Caspian Sea Gobiids. Abzian, 12-13:36-39. (In Persian).
- Bahalkeh A., Patimar R., Abdoli A., Golzarianpoor K. 2017. Investigation of growth characteristics of *Knipowitschia caucasica* in Gomishan wetland- Southeast Caspian Sea. Journal of Applied Ichthyological Research, 4(5): 15-29. (In Persian).
- Beacham T.D. 1985. Meristic and Morphometric variation in pink salmon (*Onchorhynchus gorbuscha*) in southern British Columbia and Puget Sound. Canadian Journal of Zoology, 63: 366-372.
- Beacham T.D., Murray C.B. 1983. Sexual dimorphism in the adipose fin of Pacific salmon (*Oncorhynchus*). Canadian Journal of Fisheries and Aquatic Sciences, 40: 2019-2024.
- Delariva R.L., Agostinho A.A. 2001. Relationship between morphology and diets of six neotropical loricariids. Journal of Fish Biology, 58(3): 832-847.
- Gorjian Arabi M.H., Hosseini S.A., Roohi M., Patimar R., Vatandust S., Alijanpour E. 2012. Age structure and growth rate of (*Squalius cephalus* Linnaeus, 1758) in Tuji tributary from Talar River, Mazandaran Province. Iranian Scientific Fisheries Journal, 21(3): 107-118. (In Persian).
- Ihssen P.E., Evans D.O., Christie W.J., Reckahn J.A., Dsejardine R.D. 1981. Life history, morphology, and electrophoretic characteristics of five allopatric stocks of lake whitefish (*Coregonus clupeaformis*) in the Great Lakes region. Canadian Journal of Fisheries and Aquatic Sciences, 38: 1790- 1807.
- Kiabi B., Ghaemi R.A., Abdoli A. 1999. Wetland and Riverian Ecosystems of Golestan Province. Department of Enviromenal Protection of Golestan Province 179 P. (In Persian)
- Kottelat M., Freyhof J. 2007. Handbook of European Freshwater Fishes. Publications Kottelat, Switzerland. 646 P.
- Kuliev D.B.A. 1997. Cyprinid and Persid Fishes of Southern and Midlle parts of Caspian Sea. Azerbaijan Academy of Science Publications. 211 P. (In Russian).

- Norton S.F. 1991. Capture success and diet of cottid fishes: the role of predator morphology and attack kinematics. *Ecology*, 72: 1807-1819.
- Pinheiro A., Teixeira C.M., Rego A.L., Marques J.F., Cabral H.N. 2005. Genetic and morphological variation of *Solea lascaris* (Risso, 1810) along the Portuguese coast. *Fisheries Research*, 73: 67-78.
- Poulet N., Berrebi P., Crivelli A.J., Lek S., Argillier C. 2004. Genetic and morphometric variation in the pikeperch (*Sander lucioperca* L.) of a fragmented delta. *Archiv fuer Hydrobiologie*, 159(4): 531-554.
- Rezaei M., Shabani A., Shabanpour B., Kashiri H. 2011. Microsatellites reveal weak genetic differentiation between *Rutilus frisii kutum* (Kamenskii, 1901) populations south of the Caspian Sea. *Journal of Animal Biology*, 61(4): 469-483. (In Persian).
- Swain D.P., Foote C.J. 1999. Stocks and chameleons: The use of phenotypic variation in stock identification. *Fisheries Research*, 43: 113-128.
- Trabelsi M., Maamouri F., Quignard J.P., Boussaïd M., Faure E. 2004. Biometric and molecular investigations evidenced allopatric speciation in Western Mediterranean lagoons within the *Atherina lagunae* species (Teleostei, Atherinidae). *Estuarine, Coastal and Shelf Science*, 61: 713-723.
- Treer T., Piria M., Anicic I., Safner R., Tomljanovic T. 2006. Diet and growth of spirin, *Alburnoides bipunctatus*, in the barbell zone of the Sava River. *Folia Zoologica*, 55(1): 97-106
- Turan C. 1999. A note on the examination of morphometric differentiation among fish populations: The truss system. *Terkish Journal of Zoology*, 23: 259-263.
- Turan C., Erguden D., Gurlek M., Turan F. 2004. Morphometric structuring of the Anchovy (*Engraulis encrasicolus*) in the Black, Aegean and Northeastern Mediterranean Seas. *Turkish Journal of Vertebrate Animal Sciences*, 28: 865-871.
- Wainwright P.C., Richard B.A. 1995. Predicting patterns of prey use from morphology of fishes. *Environmental Biology of Fishes*, 44: 97-113.

